مجله حوزه، شماره 157

**مطالبات جهانى و رسالت حوزه‏ها**

**دكتر محمود واعظي  
مطالبات مسلمانان در جاى جاى قلمرو اسلامى چيست و حوزه‏هاى علميه تشيع در پاسخ‏گويى به اين مطالبات، با چه سازوكارى مى‏توانند نقش آفرينى كنند و از فرصتها و زمينه‏هاى فراهم آمده به بركت انقلاب اسلامى، به گونه دقيق و سامان‏مند بهره‏بردارى كنند و حضورى مفيد و كارساز در جهان اسلام داشته باشند؟** × نيمه دوم قرن بيستم ميلادى، جهان تجربه ديگرى از خيزشهاى انقلابى و دگرگونيهاى اجتماعى را در خاور ميانه اسلامى به نظاره نشست. اين تجربه پديده‏اى شد كه نه طراحان اصلى جهان پس از جنگ دوم جهانى و نه ستمديدگان سالها به استضعاف كشيده شده دنياى اسلام، توقع وقوع آن را نداشته و رويارويى، يا همسويى با آن را در برنامه‏هاى خود نديده بودند.  
 اين پديده، جز پرده بردارى از چهره واقعى اسلام ناب و ظلم ستيز و كنار زدن پندارهاى نادرست و تظلم آفرين و نيز تزريق خودباورى و اعتماد آفرينى به جهان اسلام و جامعه بشريت نبود.  
 پژواك اين خروش صادقانه و جوشش مكتبى و اسلام مدار، آن چنان مرزهاى جغرافيايى و طبيعى را سريع در هم نورديد كه همنوايى و هم صدايى ملل مسلمان و محروم و حمايتهاى لاينقطع مبارزان و حق‏طلبان جهان از جنوب شرق آسيا تا شرق و غرب و شمال آفريقا و تا منصفان و بشر دوستان امريكا و اروپا، با همه وجود احساس شده در قلبهاى همه پاك فطرتان اين جوشش به گونه‏اى يك پارچه ظاهر گشت.  
 هنر امام امت اين بود كه دلهاى همه آزاديخواهان عالم را به هم متحد و اميدوار ساخت و جوهره ظلم ستيز و استكبار سوز اسلام پويا را يك‏بار ديگر به رخ كشاند. ديگر آن كه او توانست در ميان الگوهاى ارائه شده از سوى اصلاح طلبان و اسلام گرايان از اخوان المسلمين مصر تا شريعت اسلامى سودان و... نسخه‏اى منحصر به فرد ايجاد كند. گرچه براى به بار نشستن هر كدام از الگوهاى حكومت اسلامى محققان و نخبگان ويژه‏اى تلاش كرده و اميدها بدان بسته‏اند؛ اما نسخه حكومت مردم‏سالارى دينى جمهورى اسلامى ايران، بدون شك جذابيتها و مقبوليتهاى ويژه خود را داشت. از شعارهاى حركت آفرين و پويا تا اقدامات ثمربخش و از صحنه‏هاى جنگ و نبرد تا عرصه‏هاى نوآورى و دانش‏پژوهى.  
 اما اين فضاسازى جهانى و ايجاد تشنگى در كام حق جويان عالم، به صورت طبيعى برنامه‏ريزى و اقدامات متناسب با خود را براى ثمر بخشى در زمان طولانى مطالبه مى‏كرد.  
 سنگينى بار سيراب سازى تشنگان معارف دينى و اسلامى و تبيين آموزه‏هاى پاك و نيز غبارزدايى از آنها و معرفى روشها و مبانى شناختِ سره از ناسره و مطالب صحيح از ناصحيح، همه و همه، بر عهده فرهنگيان و اسلام پژوهان و بيش از همه متوجه نهاد مقدس و مبارك حوزه‏هاى علميه و طالبان و دانش جويان علوم و معارف اهل بيت(ع) قرار گرفت.  
 مطالبات جهانى و حوزه  
 امروزه مطالبات جهانى از حكومت جمهورى اسلامى ايران، به منطقه يا مرز خاصى منحصر نمى‏شود و موجى سنگين از درخواستها و سؤالها از عرضه توضيح و تبيين و بيان تجربه تا انتقال تجارب خاص ملت و دولت و نيز امت و امام، به صورت روز افزون ملاحظه مى‏شود. اين اعلام نيازها به گروه و مخاطب خاصى هم منحصر و محدود نمى‏شود، از دولتها و مراكز و نهادهاى رسمى تا جنبشها، گروه‏ها و نخبگان و متدينان يا منصفان عالم.  
 آن چنانكه درخواستها نيز در حيطه موضوعى خاصى نمى‏گنجند، از ابعاد مختلف فقه اسلامى، اقتصاد، ربا و بانكدارى گرفته تا خانواده و روابط و معاشرتهاى اجتماعى و نيز تجربه‏هاى حكومتى، يا نظامى ايران اسلامى.  
 بديهى است از آن جا كه ماهيت حكومت و اساس نظام بر مبناى مكتب اسلام و ارزشهاى اسلامى پى ريزى شده و ولى فقيه، رسالت به گردش در آوردن احكام و فقه اسلام در تار و پود قوانين و مقررات و روابط اجتماعى سياسى را به عهده دارد، لذا حوزه‏هاى علميه و متصديان تفسير و تبيين شريعت اسلامى به صورت طبيعى در خط مقدم اين رويارويى قرار دارند.  
   
**فرصت استثنايى تاريخى** فرصتهاى حضور حوزه در جهان، در تاريخ معاصر كم نظير است. بسيارى از بسترها توسط ديگران، بويژه در نيم قرن گذشته خوب طراحى شده است. از نيمه دوم قرن بيستم كه حركت اصلاح‏طلبى در متمدن‏ترين حوزه جهان اسلام اوج گرفت و حسن البنا، سيدقطب و... به دنبال اجراى شريعت اسلامى با مدلى خاص بودند و تلاشهاى فراوانى براى اجرا و تحقق حكومت اسلامى مبذول داشتند و تا به امروز به حسرت يك روز آن مانده‏اند، تا حكومت سودان كه حسن الترابى‏ها در دهه‏هاى گذشته تمام همت و تدبير خود را به كار گرفتند تا شريعت اسلامى را پياده سازى كنند و... همه و همه زمينه ساز حضور پررنگ و پوياى حوزه تشيع در جهان اسلام شد؛ چرا كه جهان اسلام ناكامى و ناتوانى و ناكارآمدى مدلهاى ديگر را به چشم خود ديد. در مصر همه اسلام خواهان و اصلاح طلبان، در عرصه‏هاى مختلف، ذلت و ناتوانى را مشاهده كردند از ناتوانى در يك پارچه‏سازى نيروهاى خودى برابر دشمن صهيونيست، تا ناتوانى در مسائل اجتماعى و اقتصادى كه در حال حاضر، فقط در قاهره حدود چهار ميليون شهروند قبرستان خواب وجود دارد و در اقتصاد، همچنان جيره خوار و كمك بگير قدرتهاى استكبارى است. شما به مدل شريعت اسلام سودان نگاه كنيد. اين مدل هم در برابر چشم جهانيان كارآ نيست و توان حكومت را ندارد؛ گرچه فضاى قرانى در سراسر كشور سودان مشهود است و در هر كوى و برزن هزاران فرزند خردسال در حال حفظ قرآن، با قراءتهاى قالون و ورش هستند و ظواهر جامعه كاملا اسلامى است؛ اما اين مدل همه جانبه نيست و ناكارآست؛ چرا كه هنوز اين مدل گامى به سوى خودكفايى ملت و دولت فراهم نساخته است و در كتار رودهاى پر آب نيل ازرق و نيل ابيض، دو سرمايه بزرگ ملى اين كشور، زمينه بهره‏بردارى مناسب و كار كشاورزى استقلال خيز انجام نمى‏شود و حفاظ قرآن ترجيح مى‏دهند بخوانند و بخوانند! مدلهاى ديگر هم به همين روال يا بدترند. سخن اين جاست كه اين ناكارآمديها، چشم اميد همه ملل مشتاق اسلام عزيز را متوجه ايران اسلامى ساخت و از اولين روزهاى فرياد امام امت و پژواك انقلاب اسلامى ايران، حتى مدعيان بزرگ اسلام در جهان، مانند دكتر يوسف القرضاوى مبهوت و و اميدوار شدند كه در اولين مصاحبه ايشان در سال 57 در سايت اسلام اون لاين خواندنى است.  
 فرصت انقلاب اسلامى ايران در جهان و پيروزيهاى روز افزون آن در عرصه‏هاى استقلال اقتصادى نظامى سياسى و توليد علم در بسترهاى گوناگون، آن چنان چشم نسل جوان اسلام را به خود جلب نموده كه هر روزه شاهد حركتهاى خودجوش اعلام وفادارى و پذيرش مدل و الگوى اسلامى حكومت مردم سالارى دينى، بيش از پيش نسخه بردارى و ابعاد مختلف آن مطالبه مى‏شود. اين مطالبات در همه عرصه‏هاى دينى جارى است و به صورت طبيعى رسالت تبيين و معرفى اين مدل با حوزه‏هاى علميه است.  
 آن چه مهم است خود ارزيابى از مسير طى شده در سى سال گذشته است. گرچه حوزه‏هاى علميه، طى سه دهه گذشته تلاش وافرى را در زمينه‏هاى مختلف براى ارتقاى جايگاه و تنوع روشها و نيز تعميق دانشها و علوم، به كار گرفته‏اند و بويژه برخى آيات عظام پويايى و تحركى نو به مجموعه بخشيده‏اند، اما تشنگى جهان اسلام و نيز منصفان جهانى به معارف حوزه‏هاى علميه و توقع آنان هنوز برآورده نشده و تا سطح مطلوب فاصله زيادى داريم.  
 از جمله نكاتى كه در اين زمينه بايد به آن اشاره كرد عبارت است از:  
 نخست آن كه: برنامه راهبردى هدف‏مند و همه جانبه است كه همچنان به عنوان يك آرزو برجاى مانده است. تنوع موضوعات، تعدد گروه‏هاى مخاطبان و نيز بى كرانه بودن مطالبات و زمينه‏هاى حضور، ضرورت برنامه‏ريزى جامع و مدت دار را غير قابل ترديد نموده است.  
 بويژه آن كه گستره ماموريت حوزه، ملى نيست، بلكه فراتر از ملى و حتى منطقه‏اى است؛ يعنى به تمام معنى رسالت و مأموريت حوزه‏هاى علميه تشيع، امروزه يك رسالت كاملا جهانى و بين‏الملل است.  
 با طراحى چنين برنامه جامعى است كه مى‏توان لايه‏هاى نظرى علمى كاربردى را رصد و نيز ارزشيابى نمود در غير اين صورت، همه توان به كارهاى غير ضرور يا زايد صرف مى‏شود و به تدريج به سكون خواهد گراييد. با برنامه راهبردى جامع است كه مى‏تواند با مطالعات دقيق منطقه‏اى و فرهنگهاى متفاوت و تطبيق علم بلاغت حوزوى بر مخاطبان، به انجام كارى اثر بخش و ماندگار اميدوار بود.  
 دو ديگر، بدون تثبيت ديدگاه‏ها و مواضع اصولى و اعتقادى در درون، امكان حضور موفق و اثر بخش براى حوزه در جهان وجود ندارد. ممكن است حضور حاصل شود؛ اما اثربخش نباشد، بلكه تفرق بخش و ضرر بخش باشد. منظورم اين است كه ما ناگزيريم در دنياى آلوده فكرى نظرى، شهد مصفاى خودمان را در عرصه اعتقادات و باورها، نهايى كنيم و با مواضعى شفاف و يك نواخت با مخاطبان ارتباط گيرى كنيم. تلاش حضرت آيت‏الله سبحانى در دهه قبل در اين زمينه و انتشار كتاب  العقيده الاسلاميه  كه متاسفانه با مشكلاتى هم مواجه شد، از اين قبيل است كه بايد با جديت در همه عرصه‏ها پى‏گيرى شود. عمده هجمه‏هاى بيرونى ما از اين گروه است. فراموش نمى‏كنم روزى در دفتر آقاى يوسف قرضاوى بوديم و مطلب به كشتارهاى طايفى در عراق كشيد. ايشان مى‏گفت: چرا به گونه روشن، مواضع علماى شيعه تبيين نمى‏شود و چرا رسماً نظرات علماى شيعه در زمينه برادركشى و برخى عقايد، مانند: سب صحابه و... بيان نمى‏شود... كه همين مطالب را در مناظره با رييس مجمع تشخيص مصلحت نيز روى شبكه الجزيره بيان كرد و البته اخيرا اعلام رسمى و به موقع ديدگاه مقام معظم رهبرى، خيلى از بسترها را شفاف نمود. بديهى است كه توقع از حوزه بيش از اينهاست. چرا ما امروزه كه در سكوى حكومت و تعامل رسمى با جهان قرار داريم، نمى‏توانيم با زبان و ديدگاه‏ها و نگرشها و ظرافتهاى بين‏المللى صحبت كنيم، اين پذيرفته نيست كه حتى در مسائلى مانند همگرايى و انسجام بخشى و تقريب، صرفا يك نهاد را مسؤول بدانيم و در اين امر خطير كه در جهت تجميع نيروها عليه دشمنان ونيز جلوگيرى از درگيريهاى نارواى بين طائفه‏اى و تثبيت جايگاه عقلانى تشيع در جهان مى‏باشد، برخى خود را مسوول ندانند؟  
 سه ديگر، بحث روشى است. امر خطير تبليغ دينى كه در سيره انبيا و رسول اعظم(ص) و ائمه معصومين(ع) به روشنى قابل استفاده است، پيوسته بر شاخصه عقلانيت استوار بوده است. متاسفانه حركتهاى نسنجيده برخى مدعيان، حركت و جريان تبليغ مكتب را نه تنها سودى نمى‏رساند كه گاه ضد تبليغ مى‏شود و موجب از دست دادن برخى مشتاقان مى‏شود. عقل گرايى همه جانبه در مكتب تشيع پيوسته ايجاب مى‏نموده كه بر اساس شناسايى مخاطب و ظرفيت او محتواى علمى در اختيارش قرار داده شود. تكلم على قدر العقول، رعايت مقتضيات زمانى و مكانى و ديدن حساسيتها و شرايط عصرى، ذهن خوانى و نيز سنجش صحت و سقم محتوايى و هزاران هزار نكته ظريف و تارمويى ديگر تنها با تدبير عقلى حل مى‏شود، نه با حفظ و نقل روايت.  
    
**پيام اسلام، پيام جهانى است، مرز نمى‏شناسد. رساندن اين پيام به جهانيان، چگونه و با در نظر گرفتن و سرلوحه كار قرار دادنِ چه اولويتهايى به حقيقت مى‏پيوندد و جامه عمل مى‏پوشد؟**  
 × موضوع اوليتهاى پيش روى حوزه در جهان اسلام خود نيازمند تحليل و بررسى است كه پس از گذرى بر اهم نكته‏هاى قابل ارائه در اين زمينه بدان خواهم پرداخت:  
   
**مخاطب محورى** اولا، گستره مسائل و جريانهاى فكرى و سياسى و نيز اقتصادى در حوزه بين‏الملل و نيازهاى فراوان عصرى در دنياى ارتباطات و تعاملات بسيار با بسيار (manytomany) و حذف مرزها و موانع ارتباط، بيش از همه ضرورت تعيين و تبيين مخاطب را تأكيد مى‏كند. نشان دار نمودن مخاطبان و اولويت بندى آنها را، با توجه به شرايط عصرى، به شرح زير مى‏توان شمار نمود:  
 مخاطب اول و محورى حوزه كه متاسفانه گاه از آن غفلت مى‏شود فرزندان ايرانى و نسل جوانى است كه به هر دليلى در خارج از كشور سكونت دارند و على رغم عشق و ارادت به وطن و مكتب، از هرگونه سهمى از برنامه‏ها و فعاليتهاى حوزه علميه بى بهره‏اند. امروزه، بيش از شش ميليون ايرانى در خارج از كشور زندگى مى‏كنند كه عمده آنان افرادى مكتبى مومن و شيفته اهل بيت عصمت و طهارت هستند. جاى گفتن ندارد كه متاسفانه گاه و بيگاه در كشورهاى دور و غير راهبردى چنان اهتمامهايى صرف مى‏شود كه انسان درصدى از آن را براى ايرانيان مقيم در كشور همسايه خود نمى‏بيند كه چنين روشى، نه عقلى است و نه شرعى. متاسفانه اين گروه مخاطب، به دليل شدت ظهور، بيش از همه با بى مهرى مواجه شده‏اند و تاكنون در برنامه‏ها، به عنوان مخاطب خاص مدنظر مسؤولان و برنامه ريزان حوزه قرار نگرفته‏اند.  
 مخاطب دومِ حوزه، به صورت طبيعى، عاشقان و رهروان مكتب اهل‏بيت(ع)اند كه در جاى جاى گيتى به عشق فرزندان زهراى اطهر(ع) حضور دارند و بويژه در دهه‏هاى اخير انگشت نماى خاص و عام‏اند. از شيعيان ساكن حوزه خليج فارس و همسايگان ايران اسلامى گرفته تا امريكاى لاتين و جنوب شرق آسيا و افريقا كه بررسى شرايط و اوضاع هر كدام، مطالعات ويژه را مى‏طلبد و بسته‏هاى محتوايى و روشهاى متناسب با فضاى اجتماعى سياسى خود را مى‏خواهد.  
 مخاطب سومِ ما در جهان، همه مسلمانان هستند كه با شنيدن خبرهاى اميد آفرين جمهورى اسلامى ايران بيش از هميشه به اين الگو چشم اميد دارند و از صميم جان به حاكميت و حكومت ضداستكبارى جمهورى اسلامى عشق مى‏ورزند. اين مخاطبان كه بيش از نيم قرن در عصيبت ناصرى گرفتار آمده بودند و نمى‏توانستند صداى غير عرب را براى دفاع از اسلام بشنوند، با پيروزى انقلاب اسلامى تا حدى اميدوارتر و امروزه، پس از پيروزى غرورآفرين سيدحسن نصرالله در لبنان سرافراز، چنان به آرمانهاى مكتب تشيع ايمان آورده‏اند كه قابل تصور نيست. حقير در اين سالها با بسيارى از نخبگان و فرهنگيان اهل سنت ارتباط داشته‏ام كه با صداى بلند و رسا فرياد مى‏زنند فكر، آيين، مرام و باورهاى اين سيّد را به صورت كامل مى‏پذيريم و بر حقانيت آن ايمان داريم.  
 مخاطب چهارم ما همه منصفان عالم، از هر دين و آيين و مرام‏اند كه منصفانه و آزادانه به اخلاقيات و ارزشهاى مشترك انسانى باور و به آينده‏اى روشن اميدوارند.  
   
**ارتباط ماتريسى اولويتهاى مخاطبان** بديهى است از گروه‏هاى چهارگانه مخاطبان بايد به تناسب باورها و داشته‏ها و فرهنگ و پيشينه مخاطب، جدول ماتريسى طراحى كرد و پس از آن، اولويت مخاطب را تعيين نمود. مثلاً در مخاطبان، ما نمى‏توانيم از حوزه تمدنى بزرگ ايران زمين غفلت ورزيم و ايران بزرگ فرهنگى را از افغانستان و شبه قاره تا ديواره چين، نبينيم. يا نمى‏توان همه اقشار هر طبقه را مانند هم فرض كرد. قشر نخبه همه گروه‏ها، اولويت بيش‏ترى دارند. فرهنگيان و متدينان در همه گروه‏ها امتيازهاى بيش‏ترى دارند؛ اما آن چه مهم است آن كه حوزه نبايد محدود نگر باشد. جامعه مخاطبان حوزه جهانى است و به تناسب همه اقشار و طبقات با بهره‏گيرى از راهبرد مشخص و روشن، برنامه داشته باشد. مهم‏تر آن كه چنانكه قلمرو جغرافيايى خاصى براى مخاطبان حوزه قائل نيستيم، حد و مرز مشخصى نيز براى حيطه‏هاى موضوعى هم قائل نيستيم. حوزه‏هاى علميه از آن جا كه رسالت هدايتى فرهنگى دارند، لذا بايد همه شؤون اجتماعى - سياسى و فرهنگى جوامع را در برنامه‏هاى خود داشته باشند. اگر مى‏پذيريم كه به فرمايش حضرت امام موضوع كار انبيا انسان بوده است و هدايت گرى اين انسان به عهده وارثان انبيا و علماست، پس حوزه‏هاى علميه بايد موضوعات را فرافردى، فراملى، فرامنطقه‏اى و عام ملاحظه كنند.  
 : براى حضور حوزه‏ها در عرصه جهانى و ابلاغ پيام اسلام و روشنگرى دينى چه موانعى بر سر راه مى‏بينيد؟  
  
\*  بنده موانع اصلى حضور در جهان اسلام را در چند بخش مى‏يابم:  
 نخست آن كه: فقدان نگاه جهانى و بين‏المللى.  
 نگاه فراملى و فرافرهنگى براى معرفى اسلام عزيز و باور به ماموريت جهانى اسلامى از نكات مهم و كليدى است كه كم‏تر در عمل شاهد آن بوده‏ايم. منظورم از نگاه، آن شناخت و اعتقادى است كه بر پايه معرفت و تجربه شكل گرفته و به رفتار مناسب و اثر بخش منجر مى‏شود. ما شعارهاى بين‏المللى بدون شناخت، كم نداشته و نداريم. شعارهايى كه به دليل عدم معرفت و تواناييها يا توانمنديها و نيز عدم شناخت حساسيتها جز تخريب و ايجاد فاصله سودى نداشته است. نگاه بين‏المللى به شناخت مسائل بين‏المللى نياز دارد به شناسايى فرصتها و تهديدها نياز دارد، به تجهيز حداقلى ساختار و امكانات موجود براى ورود به اين عرصه نيازمند است، يا به تسامحى بايسته براى تعامل سازنده و اثربخش احتياج دارد و هزاران نكته ديگر و نمى‏توان با افزودن كلمه بين‏المللى، يك مجموعه را بين‏المللى ساخت.  
 دو ديگر، عدم ورود شايسته به ابزارهاى حوزه بين‏الملل است كه مطالب در اين زمينه زياد است. ملاحظه بفرماييد ما هنوز حداقل ابزار ارتباطى حوزه بين‏الملل را، كه زبان است، در برنامه‏ها به صورت شايسته نداريم، حتى زبان عربى كه زبان اول علوم حوزوى است و زبان كتاب و سنت است. فراموش نمى‏كنم در جلسه طفل خردسال ايرانى با شيخ يوسف قرضاوى و برخى اساتيد دانشگاه دوحه، چه پيش آمد. قصه مفصل است؛ امّا اين جمله مهم است كه پس از شگفتى محض از سبك و كيفيت حفظ آيات كريمه قرآنى و نهج البلاغه شريف، وقتى شيخ از روش و شيوه آن سؤال كرد، پدر طلبه و اهل فضل اين فرزند معجزه، از حداقل گفت و گو اظهار عجز كرد. شيخ دستهايش را محكم روى هم زد و گفت واى واى از علماى ايران. در مسائل بلاغى، در حفظ و در نكته‏هاى ظريف ادبى، مو را از ماست مى‏كشند، اما دو كلمه با زبان قرآن نمى‏توانند صحبت كنند و... اين نكته مهم است كه مى‏بينيم دانشجوى اندونزيايى كه هنوز در بدايات دروس قرآنى و معارف تحصيل مى‏كند، به زبان قرآن مسلط است و مى‏تواند با ديگران ارتباط برقرار كند؛ اما گاهى طلبه فاضل ما از ايجاد ارتباط حداقلى عاجز. پس ورود در حوزه بين‏الملل، ورود به دنياى ارتباطات را مى‏طلبد و زبان حداقل ضرورى و گام اوليه است، تا برسيم به مسائل ديگر...  
 سه ديگر، از جمله موانع بزرگ در اين زمينه نداشتن ارتباطات اكادميك و علمى با جهان اسلام است. شما عرض بنده را مطلق نپنداريد، ما در همه موارد مذكوره استثناءاتى داريم؛ اما پديده معمول نيست و بسترى روان ندارد. ملاحظه مى‏فرماييد اكثر اعزامهاى ما براى امر تبليغ محرم و صفر و رمضان است كه اكثريت اعزامى‏ها هم مبلغان متمحض در امر تبليغ نيستند؛ بلكه فضلايى هستند كه در طول سال در سكوهاى اجرايى اشتغال دارند و براى رفع تكليف، در سال، دهه يا ايّامى را هم براى تبليغ اعزام مى‏شوند، تا هم رسالت تبليغى و هم تجربه نو در سفرها و هم ذائقه علمى فرهنگى حاصل شود كه در جاى خود نقد مفصلى دارد، اما سؤال اساسى و مهم اين است كه چرا حوزه‏هاى علميه از هزاران سمينار پژوهشى علمى و نشستهاى فرهنگى علمى طول سال، بويژه در جهان اسلام، بى خبر يا بى حضورند؟ آيا حضور علمى در جمع ده‏ها و صدها پژوهش‏گر در كشورهاى مختلف جهان و دفاع از مبانى و ارزشها و پاسخ به شبهات و سؤالات، تبليغ نيست، يا چون كار علمى - پژوهشى و از جنس اكادميك است و ساز و كارهاى خاص خود را دارد، امكان حضور نداريم؟ نفرماييد كه اكنون نشستهاى فراوانى برگذار مى‏شود، خصوصا با صاحبان اديان و... چرا كه بنده معتقدم حوزه بايد با جهان علم و انديشه ارتباط روان و معقول و باز، داشته باشد و اين كار با برنامه‏ريزى منسجم و منظم ساماندهى شود، تا اولا از حضورهاى بى رنگ كاسته شود، ثانيا، به صورت كار روزمره و طبيعى براى همه اساتيد و طلاب فاضل در آيد. البته تبليغ سنتى هم در جاى خود ارزش‏مند است؛ اما امروز نياز عصرى ما فراتر از آن است. هيچ كدام جاى ديگرى را نمى‏گيرد، بلكه هر كدام ويژگى و ضرورت خود را دارد.  
 دومين نكته اين كه مسائل متنوع و موردى طى سى سال گذشته، آن چنان بر فضاى حوزه‏هاى علميه سايه افكنده بود كه به ندرت توان نگاه جامع و فراملى به مخاطبان به وجود آمد و برنامه راهبردى همه جانبه، نه رها كردن و وقت گذارى بى مورد.  
 سومين نكته، فقدان چرخه توليد دانش: از جمله آسيبهاى جدى و مشكلات حضور فعال حوزه در جهان اسلام، نداشتن خط گردش منضبط توليد، نشر و اطلاع رسانى است. ملاحظه مى‏فرماييد پس از سى و يك سال از انقلاب اسلامى و تلاشهاى بى شمار در توليد و به روز رسانى علم و دانش در عرصه‏هاى مختلف دينى و نيز تجارب بسيار گران قدر حكومت حقه اسلامى در سرزمين متمدن و بشردوست ايران، اما اين دستاوردها با چند مشكل مواجه‏اند.  
 - گاه توليدات خوب و ارزش‏مند علمى با قلم شخصيتهاى متخصص و بى نظير در جهان در اختيار ماست و به صرف چاپ به زبان فارسى آن بسنده مى‏كنيم و دل خوش داريم به چاپ مجدد آن. اين روش كار از ام القراى جهان اسلام پذيرفته نيست؛ چرا كه محتواى توليد شده بايد به متقاضيان آن رسانده شود. متاسفانه گاه مشاهد مى‏كنيم از كتابهاى فاخر و ارزش‏مند ما، حتى كشورهاى همسايه كه تا پايتخت‏شان سى كيلومتر بيش‏تر فاصله نداريم، خبرى ندارند و امكان بهره‏ورى هم براى‏شان فراهم نيامده، تا چه رسد به قاره‏هاى ديگر.  
 اين، به دليل فقدان چرخه جامع توليد است. حوزه رسالت دارد فرايند دانش و علم و ترويج معارف حقه جعفرى را تا دل ملتها، بويژه ملل مسلمان، پى‏گيرى نمايد. مگر بلاغ و تبليغ فقط شامل مسجد سر محل و فارسى زبانان مى‏شود؟ اينها مطالباتى است كه از حوزه دارند و بايد موانع اين فرايند ضرورى ساماندهى و حل شود.  
 گاه توليدات علمى ارزش‏مند به ترجمه و چاپ و نشر مى‏رسد؛ يعنى با زحمت و مشقت متن توليد شده، آماده و چاپ مى‏شود؛ اما به دليل فقدان سيستم توزيع، يا تأكيد بر نشر مكتوب در انبارها مى‏ماند و به متقاضى نمى‏رسد كه در اين زمينه نيز گفتنى‏ها زياد است.  
 - و بالاخره شاهديم متاسفانه براى ثبت و انتقال به روز و همه جانبه سى و يك سال تجربه با ارزش اين سرزمين كه ملتها و آزادى خواهان جهان به هر دقيقه آن نيازمندند، يا طرحى نداريم يا در فرايندهاى ادارى و تشكيلاتى به توليد نمى‏رسد.  
 - از همه مهم‏تر آن كه فقدان سيستم توليد تا مصرف در امر دانش و علم باعث شده تا هزينه‏ها فراوان و بهره‏ورى‏ها به حداقل برسد. تصور كنيد الان در دانشكده‏هاى الهيات در سطوح كارشناسى ارشد و دكترى چقدر موضوعات مبتلا به فقهى، قرآنى، اجتماعى و... توسط دانشجويان با چه مشكلاتى طراحى تصويب و دفاع مى‏شود كه حوزه از آن بى اطلاع است و بالعكس در حوزه بسيار موضوعات خوب و ارزش‏مندى كه كار مى‏شود و دانشكده‏هاى الهيات و علوم انسانى از آن بى خبر يا بى بهره‏اند و يا بر فرض اطلاع، ارتباط منطقى و هدف‏مندى با هم ندارند. اين فرايند گاه به موضوعات تكرارى ضعيف و غيرضرور منجر مى‏شود و گاه هم به تحقيقات موازى و مفيد كه در هر دو صورت، آخر الامر به بايگانيهاى تحصيلات تكميلى سپرده مى‏شود و متاسفانه حلقه‏هاى بعد براى رساندن اين اثر توليدى به مخاطب مفقود است.  
 بنده همين رمضان گذشته، در كتابفروشى بزرگِ العلم والحكمه مدينة الرسول(ص)، ملاحظه كردم كتابهاى منظم و جهت دار عليه مكتب تشيع و ساير مكاتب فقهى - اعتقادى مسلمانان حجم زيادى از كتابفروشى را با جلدهاى يك نواخت و عناوين كاربردى و روز، پوشش داده است. يعنى دشمنان ما از نياز سنجى تا سفارش نوشتن پايان نامه تحقيقى مقطع ارشد و دكترى را در چرخه روشن، به بازار عرضه مى‏كنند و با كم‏ترين هزينه از فرصت ماموريت دانشجويى با گماردن اساتيد مسلط و نخبه فرايند شبهه افكنى و ارائه افكار خويش را سامان داده‏اند...  
 بنابراين حوزه به عنوان متولى توليد و انديشه و پاسخ‏گوى مكتب علوى(ع) در جهان، بايد فرايندهاى توليد و نشر و اطلاع رسانى را جهانى ببيند و جهانى مديريت نمايد.  
 سخنان حقير به عنوان طلبه كوچكى از خادمان قرآن و اهل بيت(ع) ارائه شد كه از زمان دروس طلبگى و در كنار آن دروس دانشگاهى، تا پايان مقطع دكترى علوم قرآن و حديث، حدود بيست و چهار سال عمر خود را در امور بين‏الملل و مسائل مبتلابه جهان اسلام گذرانده است. مجددا با عرض اين نكته كه حقير در ارائه مطالب جز بيان تجارب هدفى نداشتم، از بيان صريح برخى نكات، كه صرفا براى نقد حال بيان شد، عذرخواهى و از صاحب اين حوزه مقدس حضرت ولى عصر(عج)، با كمال اخلاص و نياز مسألت مى‏نمايم كه با نگاهى مشفقانه و محبت‏آميز توفيقات سربازانش، بويژه رهبر معظم انقلاب اسلامى و خادمان اين عرصه را سلامت و در خدمت رسانى و اعتلاى كلمةالله بيش از پيش تاييد نمايد.  
  
  
پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم